



مهندس نجات حسینی - سوئد  
contactmnh@yahoo.com

در سال ۱۹۰۹ در پی کاهش ظرفیت‌های تولیدی و بحران اقتصادی، بسیاری از شرکت‌ها و نیز اتحادیه کارفرمایان خواستار کاهش دستمزدها شدند. اختلاف بین نیروهای کار و کارفرمایان منجر به یک اعتصاب سراسری به مدت یک ماه شد. این اولین رویارویی بزرگ بین سازمان سراسری کارگری (ال ا) و اتحادیه کارفرمایان (ساف) بود. بیش از ۳۰۰ هزار نفر از مزدبگیران، در این اعتصاب شرکت کردند. خسارت بزرگی نصیب کارفرمایان شد. سازمان کارگری که با صندوق اعانات کوچکش، توان جبران خسارت کارگران را نداشت، به ناچار پس از یک ماه اعتصاب را پایان داد. بسیاری از کارگران سازمان سراسری خود را به بی‌مبالاتی نسبت به حقوق خود متهم کردند و تعداد اعضای سازمان کارگری در مدت کوتاهی تا نصف کاهش یافت. کارفرمایان موقعیت را غنیمت شمردند و ۲۰ هزار نفر از افراد موثر در اعتصابات را اخراج کردند و به این وسیله به موج نارضایتی کارگران از سازمان کارگری دامن زدند. از آن پس بازار کار شاهد درگیری‌های بسیاری بین سازمان کارگری و سازمان کارفرمایان بود. کوشش‌هایی از سوی واسطه‌ها در سطح جامعه انجام می‌شد که در چارچوب مشخصی نبود و هر بار بنا بر موقعیت بازار راه‌حلی و در پی آن سازهایی پایدار بین نیروهای کارگر و کارفرما صورت می‌گرفت.

### موافقتنامه سالتشوبادن

در سال ۱۹۳۵، سوسیال‌دموکرات‌ها قانونی را برای تعیین حقوق اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایان به پارلمان ارائه دادند که به تصویب نرسید. در پی آن این دو سازمان تصمیم گرفتند برای حل مسائل بین خود مستقیماً گفت‌وگو کنند. در سال ۱۹۳۸، سازمان‌های «ساف» و «ال ا» در نشست در شهرک «سالتشوبادن» در حومه استکهلم، موافقتنامه‌یی را امضا کردند که به موافقتنامه سالتشوبادن معروف شد. امضای چنین موافقتنامه‌یی برای هر دو نیرو به معنای عقب‌نشینی از برخی مواضع پیشین خود بود. سازمان سراسری کارگران، «ال ا» برای هماهنگی با این موافقتنامه ناچار شد تغییراتی در اساسنامه خود به وجود آورد. از جمله دبیرخانه سازمان کارگری اجازه یافت در موارد ویژه، اعتصاب کارگران را ممنوع اعلام کند. بر اساس موافقتنامه سالتشوبادن، اتحادیه‌های کارگران و کارفرمایان موظفند برای حل اختلافات خود به طور مستقیم و بدون هر نوع دخالتی از سوی دولت با هم گفت‌وگو کنند. موافقتنامه ضوابطی را برای حل و فصل مسائل بین کارگران و کارفرمایان ارائه می‌دهد که تا حد امکان از ایجاد اعتصاب و تشنج در بازار کار جلوگیری کند. مسائلی از قبیل اخراج کارگران و مجازات‌های اقتصادی از سوی کارفرمایان و اعتصاب از سوی کارگران، قبل از انجام باید در یک هیات مشترک مورد گفت‌وگو قرار گیرد تا راه‌حل مناسبی برای آن پیدا شود. این هیات مشترک به نام «هیات بازار کار» متشکل از سه نماینده از سازمان کارگری و سه نماینده از سازمان کارفرمایان است. بنا بر موافقتنامه بالا، هر گاه هیات مشترک تشخیص دهد اقدامی که یکی از نیروها مصمم به انجام آن است، برای جامعه زیانبار خواهد بود، آن نیرو باید از انجام تصمیم خود صرف نظر کند.

هر گاه کارگران یا کارفرمایان پیرامون خواست‌های خود به توافق نرسند و هیات مشترک نیز مانعی برای اقدامات بعدی ایجاد نکند، هر یک از این دو نیرو می‌تواند از حق قانونی خود استفاده کرده و از ابزارهای فشار نظیر اعتصاب یا مجازات اقتصادی استفاده کند.

### مدل اقتصادی سوئد

پس از توافقنامه سالتشوبادن در سال ۱۹۳۸ حزب سوسیال‌دموکرات یک برنامه ویژه اقتصادی را مطرح کرد که زیربنای رشد اقتصادی و گسترش رفاه اجتماعی در این کشور شد. این برنامه توسط دو اقتصاددان سازمان سراسری کارگری تدوین شده بود. برنامه اقتصادی سوسیال‌دموکرات‌ها که به رشد اقتصادی و تأمین رفاه اجتماعی در سوئد سرعت بخشید،

# روند توسعه اقتصادی در سوئد - بخش هفتم

کشور سوئد در اوایل قرن بیستم در زمره فقیرترین کشورهای اروپایی بوده است. اکنون بر اساس آمار بین‌المللی و ارزیابی سازمان‌های بی‌طرف، یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی جهان بوده و مردم آن از بالاترین سطح رفاه زندگی برخوردارند. این دگرگونی نتیجه مبارزات درازمدت جنبش کارگری و سندیکایی و نیز سیاستگذاری سوسیال‌دموکراسی در این کشور است. این نیروها توانسته‌اند آزادی، برابری و عدالت اجتماعی را در این کشور نهادینه کرده و راه رشد و پیشرفت جامعه را هموار کنند. هدف از این نوشته نگاهی درونی به روابط و مناسبات جاری در سوئد و شناخت عواملی است که آن جامعه را به سوی پیشرفت سوق داده است.

در سطح بین‌المللی به نام «مدل سوئد» معروف شد. آنچه امروز در سوئد رایج است، شکل تکامل یافته همین برنامه اقتصادی است. بر اساس این مدل اقتصادی، دولت از طریق وضع لوائح جدید و تصویب آنها در پارلمان نظارت خود را بر بازار کار گسترش داد و نیروهای فعال در بازار کار را در جهت رشد اقتصادی و غنا بخشیدن به رفاه عمومی هدایت کرد.

در مدل سوئد، دولت به عنوان ناظر بر منابع مالی و اقتصادی جامعه می‌کوشد سرمایه‌ها را از فعالیت‌های اقتصادی کهنه، به بازار در حال رشد نوین هدایت کند. از جمله ویژگی‌های این مدل اقتصادی، توزیع عادلانه‌تر درآمدها است. برای تقسیم عادلانه‌تر ثروت‌ها، قوانین مالیاتی جدیدی تدوین شد که براساس آن ضریب مالیاتی نسبت به میزان درآمدها به طور تصاعدی افزایش یافت. گسترش بخش خدمات عمومی، به عنوان زیربنای یک جامعه سالم و مرفه، یکی از راهکارهای مدل سوئد بوده است. این خدمات شامل بهداشت و درمان، آموزش همگانی و آموزش و پرورش کودکان است. امروزه بخش مهمی از نیروی کار سوئد در بخش خدمات عمومی مشغول به کار است. تولیدات این بخش در سال ۲۰۰۸، ۲۴ درصد درآمد ناخالص ملی بوده است.

اقتصاد سوئد یک اقتصاد بازار است که شامل بخش‌هایی با سرمایه‌گذاری دولتی نیز هست. دولت با هدف کنترل و نظارت بر بازار با بخشی از پول مالیات‌ها در بخش تولید و خدمات، سرمایه‌گذاری می‌کند. در این اقتصاد بخش مهمی از درآمدها از طریق یک سیستم مالیاتی فعال به خزانه دولت واریز می‌شود و دولت آن را در جهت تقسیم عادلانه ثروت‌های جامعه، برای ایجاد رفاه همگانی هزینه می‌کند. سوئد یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی و ثروتمندترین کشورهای جهان است. درآمد سرانه ناخالص ملی در این کشور در سال ۲۰۰۷ معادل ۳۶۵۷۸ دلار آمریکا بوده است. حدود ۹۰ درصد تولیدات صنعتی متعلق به بخش خصوصی است و بخش خدمات ۷۰ درصد تولید ناخالص ملی را در بر می‌گیرد. نیروی کار در سوئد نسبت به سایر کشورها آموزش‌دیده‌تر و باتجربه‌تر است. کمتر از دو درصد از نیروی کار کشور به کار کشاورزی مشغول است که حدود دو درصد از درآمد ناخالص ملی را به خود اختصاص می‌دهد. سوئد دارای یک سیستم پیشرفته پخش کالا است که با استفاده از وسایل مدرن و نیروهای کارآموزده در شبکه پخش کالا در داخل و نیز در بخش صادرات فعال است. بزرگ‌ترین بخش تجارت خارجی سوئد با اتحادیه اروپا است که در بین آنها کشور آلمان مهم‌ترین شریک اقتصادی سوئد به شمار می‌آید. سوئد از ۱۹۹۵ عضو بازار داخلی اتحادیه اروپاست. در سال ۲۰۰۳ یک همه‌پرسی مشورتی از سوی دولت برای تبدیل پول سوئد به یورو انجام شد که تقریباً ۵۱ درصد با تبدیل پول مخالفت کردند. دولت با احترام به این نظرسنجی از تبدیل پول سوئد خودداری کرد و پول سوئد کرون باقی ماند.

وجود جنگل‌های گسترده، مواد معدنی و فناوری مناسب، کشور سوئد را از سال‌های میانی قرن نوزدهم به یک کشور صادراتی موفق تبدیل کرده است. سوئد به طور نسبی دیر به پروسه صنعتی شدن وارد شد. این کشور تا قبل از ۱۸۵۰ هیچ طرحی برای ایجاد شبکه راه‌آهن نداشت اما به برکت ترویج زودرس آموزش در جامعه، از یک

### اندیشه اجتماعی

#### منبع درآمد دولت

دولت برای انجام وظایف خود به پول نیاز دارد. درآمد دولت بیش از هر چیز متکی بر مالیاتی است که شهروندان می‌پردازند. میزان مالیاتی که دولت سوئد از شهروندان خود دریافت می‌کند بیش از مالیات در هر کشور دیگری است. یک کارمند متوسط بین ۳۰ تا ۴۰ درصد از حقوق خود را به عنوان مالیات مستقیم به دولت می‌پردازد. علاوه بر مالیات مستقیم، هر کالا یا خدمتی را که شهروندان خریداری کنند علاوه بر بهای اصلی آن باید بین ۱۵ تا ۲۵ درصد نیز به عنوان مالیات پیرا پرداختند. میزان مالیات برای برخی مواد مصرفی مانند بنزین تا چهار برابر قیمت اصلی آن بالا می‌رود.

اگر دولت نتواند مالیاتی را که قانون تعیین کرده است از شهروندان بگیرد آنگاه نمی‌تواند به وظایف خود که ارائه خدمات به شهروندان است عمل کند. برای اینکه مالیات به صندوق دولت واریز شود اعتماد مردم به دولت‌مدران نقش اساسی دارد. مردم وقتی آگاهانه و داوطلبانه مالیات می‌پردازند که به دولت و شهرداری‌ها اعتماد داشته باشند و بدانند مالیات‌ها برای عمران و آبادی و رفاه همگانی به کار می‌رود. پس اعتمادسازی اول باید از دولت شروع شود. دولتی می‌تواند اعتمادسازی کند که مستقیماً توسط مردم انتخاب شده باشد و در برابر مردم پاسخگو باشد. چنین کاری تنها در جوامع آزاد و دموکراتیک ممکن است. بنابراین در یک جامعه غیرآزاد که مردم حق نصب یا عزل دولت را ندارند، اعتمادی بین آنها به وجود نخواهد آمد و دولت از کمک مردم برای تأمین هزینه‌هایش بی‌بهره خواهد بود.

با اینکه شهروندان سوئدی بالاترین درصد مالیات را در جهان می‌پردازند، در یک نظرسنجی که اخیراً به سفارش اداره بهداشت و درمان به عمل آمده بود، از مردم پرسیده شده بود آیا حاضرند باز هم مالیات بیشتری بپردازند تا وضع بهداشت و درمان از آنچه هست بهتر شود. اکثریت قریب به اتفاق کسانی که مورد پرسش قرار گرفته بودند آمادگی خود را برای افزایش مالیات اعلام داشتند. چنین اتفاقی تنها در جایی میسر است که مردم به مدیران کشور و کارگزاران دولت اعتماد داشته و در انتخاب یا عزل آنها آزاد باشند. در سوئد دولت به مردم خدمت می‌کند و مردم به دولت اعتماد می‌کنند و یاری می‌دهند. در چنین شرایطی است که مردم در برابر پرداخت بالاترین میزان مالیات، بهترین خدمات را از دولت و زیرساخت‌های آن دریافت می‌کنند. به عبارت دیگر مردم می‌دانند با همان دستی که می‌دهند، خواهند گرفت.

چند سال پیش یکی از سرمایه‌داران سوئدی که از میزان مالیات زیاد ناراضی بود مال و منال خود را برداشت و به انگلستان کوچ کرد. او رفت تا در آنجا مالیات کمتری بپردازد. چندی بعد وی در یک مصاحبه رادیویی می‌گفت، مالیاتی که در سوئد می‌دادیم بالا بود اما خدمات خوبی هم دریافت می‌کردیم. حالا در انگلیس بیش از آنچه در سوئد مالیات می‌دادیم خرج می‌کنیم ولی هرگز آنقدر خدمات دریافت نمی‌کنیم. بسیاری از کسانی که سوئد را به خاطر سطح بالای مالیات‌ها ترک می‌کنند پس از چندی به همین نتیجه می‌رسند.

#### سرمایه اجتماعی و فساد

سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموعه ارزش‌ها و هنجارهای مشترک بین اعضای یک جامعه یا گروه یا داشته‌های مشترک بین شبکه‌های اجتماعی. در کلامی ساده می‌توان گفت سرمایه اجتماعی مجموعه اعتمادی است که در بین افراد یک گروه یا جامعه وجود دارد. این سرمایه در ارتباط با میزان روابط اجتماعی و اعتماد بین مردم در این روابط تعریف می‌شود. به عنوان مثال در جامعه‌یی که از فقدان سرمایه اجتماعی رنج می‌برد یک شهروند وظیفه خود نمی‌داند مالیات بپردازد زیرا بر این باور است که دیگران نیز مالیات نمی‌پردازند. رواج بی‌اعتمادی همه چرخ‌های اقتصادی جامعه را کند می‌کند یا از کار باز می‌دارد. سوئد یکی از کشورهای جهان است که سرمایه اجتماعی در آن مقام بسیار بالایی دارد. این به آن معناست که اعتماد بین مردم از یک سو و اعتماد متقابل بین مردم و دولت نیز از سوی دیگر بسیار بالاست. هرچه سرمایه اجتماعی در یک کشور بالاتر باشد، میزان فساد در آنجا کاهش می‌یابد.